

گروه ماهنامه فیروز



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

ریاست به دست کسانی خطاست
که از دست شان دست ها بر خداست

سعدی

فیل کج روی کند. این سرشت فیل هاست
کج روی در این مقام. دلپذیر می شود
اسب خیز می زند. جست و خیز می زند
جست و خیز اگر نکرد. دستگیر می شود

محمد کاظم کاظمی

77

1

سرطان 1390 / مطابق جولای 2011

شماره 77

سال هفتم

سکوت را مرگ می شمارم

نسیب سرحدی

یادم هست، شش ماه قبل روزی از روزها در شهرگردآلود و دلگیر چنچران قدم می زدم، باری متوجه شدم که همه مردم زیرلب چیزی را زمزمه می کنند، کوشیدم بدانم موضوع چه است، روی این ملحوظ به جستجو پرداختم بعد از چند دقیقه شنیدم که می گویند مسئولین اداره محلی غور تبدیل شده اند که .

هر طرف شور و غوغای برپا بود، واقعا با شنیدن این حرف بسیار خوشحال شدم و همه ما برای آمدن مسئولین جدید دقیقه شماری می کردیم ، تا اینکه زمانی یکی پی دیگری آمدند و کرسی مقامات را اشغال کرد و طبق معمول همه رؤسای دوایر دولتی و سران غور به طور گروهی و انفرادی از گوشه و کنار این ولایت با دسته های گل و چپین های مود روز و بعضی هدیه های دیگر به تبریکی می آمدند و می رفتند ، فضاء طوری بود که به دل هر فرد با احساس چنگ می زد و همه ما به امید ساختن یک غورتاریخی و زیبا باچهره هایی گشاده و ضمیرهایی پاک انتظاری می کشیدیم، جمله ها و سخن هایی دل انگیز و خوشایند و دلنشین از هر طرف به گوش ها طنین می انداخت ، یکی می گفت: غور که تا هنوز آباد نشده علتش این بوده که مسئولین ازین محیط نبوده، بیگانه ها کی خدمت می کنند؛ دیگری می گفت مسئولین تازه نفس آنقدر سرمایه دار اند که برای بازسازی غور اصلا به کمک خارجی ها نیاز ندارد، سخن هایی مختلف از افراد متفاوت شنیده می شد، مکتبی ها به امید ساختن نظام معارف بود، تعدادی هم انتظار امنیت را می کشید، بعضی ها به فکر ساختن شهر بود، عده هم به امید نظام عادل بود، بسی یتیمان به فکر رسیدن به حق بود، گروهی از مظلومان به گوشه از شهر خواب مرگ ظلم را می دیدند، و دسته هم به امید اینکه بی بند و باری، منطقه گرای، قوم گرایی و دورنگی پامال خواهد شد و جای آنها را عدالت، وحدت، اتفاق، همدلی، همکاری، اخوت و برادری خواهد گرفته و همه به محور «انما المومنون اخوة» گردش خواهیم کرد، لحظه شماری می کردند. ادامه صفحه 3

ما مکاتب . چقدر بیچاره هستیم

عبدالقیوم شاداب

نام من مکتب محمد عمر شهید است که به قریه گنده آب مربوط مرکز ولایت درسال 1384 تولد شدم. خوشبختانه من دارای یک تعمیرش صنفی می باشم که در سال 1388 از طرف سفارت کشور جاپان ساخته شده است. در ابتدا بشکل ابتداییه (شش صنف) شروع به فعالیت کردم اما در 1387 ارتقاء نموده و منظوری متوسطه شدنم از طرف وزارت محترم معارف موصلت ورزید. زمانی که من به شکل ابتداییه فعالیت می نمودم ، تعداد پنج تن معلم قراردادی و یک تن سر معلم مشغول تدریس اطفال و کارهای اداری ام بودند. ادامه صفحه 2

شورای صلح در کوما!!!

جمشید احمدی

دولت افغانستان به منظور بهتر سازی روند حکومتداری و آنچه را که فاصله ها بین مردم و حکومت خوانده می شود به نحوی در این اواخر خواسته است بنام های تحکیم صلح، شورای صلح... در واقع جرگه های را بسازد تا به اهدافش نایل آید اما بی خبر از اینکه: (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد!) چرا؟ برای اینکه اگر اما ایجاد چنین شورا های هم به فال نیک بگیریم، هدف اینجاست که چه کسی در این شورا ها حضور پیدا کنند تا دستی مروتی و انگشت مرحم گذاری داشته باشد برای درد های صعب العلاج مردم جنگ دیده . از سوی دیگر آرزو و آرمان دولت مردان در دیگ این شوراها، دلپذیر و خوش زایقه پخته شود!!! چندی پیش شورای صلح ایجاد شد و طبق برنامه، شاخه و یا نمایندگی شورای صلح در غور هم با گزینش دقیق اعضای این شورا توسط اداره محلی غور گشایش یافت!!! حالا بگذریم از اینکه در کل شوراها ایجاد شده، چگونه ایجاد می شود، بخاطر چی ایجاد می شود و چرا در خور و شایسته نیست؟؟ نکته ای قابل بحث اینجاست که از عمر این شورا در غور تقریباً بالاتر از شش ماه می گذرد، در قدم نخست اعضای شورای صلح چه کسانی اند؟ و این گزینش به اساس کدام معیار و چگونه است؟ و چرا این گزینش به دست اداره محلی حکومت بوده؟؟؟ ادامه صفحه 2

قدرت، فساد می آورد

غلام ربانی هدهد

ده سال شد که رسانه ها در کنار مردم و به حمایت از حقوق مردم غور کار های خراب و خلاهای حکومت محلی را نقد و دست آورد های قابل قدر متصدیان امور را تقدیر کرده اند . طی این مدت روابط رسانه ها با اداره حکومت محلی تابع نحوه مدیریت اوضاع این مرز و بوم بوده و است ، به هر اندازه که اعمال نامطلوب نهاد های دولتی مورد انتقاد رسانه ها قرار گرفته است ؛ روابط هم تیره عنوان شده و در حالات و شرایط عادی روابط هم ملایم بوده است .

در حال حاضر اوضاع نابسامان تر از سالهای گذشته بوده و معمولاً روابط اداره محلی با رسانه ها تیره تر شده است ، رسانه ها و بنیاد های فرهنگی به هدف ادای رسالت خود و همکاری با نظام در راستای پُر شدن خلاهای کلان نامه های متعدد عنوانی مقامات مسؤل اداره محلی غور فرستادند ، مطالب انتقادی در رسانه ها چاپ شد و باری روی در روی با مسؤلین صحبت گردید ... اما اداره محلی حکومت غور بنا به دلایل و اسباب دور از انتظار تا حال در هیچ مورد به خواست های رسانه ها ارزشی قابل نشد و سیلی نا امیدی را همواره به صورت رسانه ها کوبیده است . به هر حال به هدف عمل به تعهد خود در برابر مردم این بار هم وضعیت را بررسی می کنیم : ادامه صفحه 4

اختلاف میان مقام ولایت و ارگان های امنیتی غور

چندی قبل وزیر امور داخله جمهوری اسلامی افغانستان در ولایت غور آمده بود و در باب تأمین امنیت بهتر ، اکمالات و تجهیزاتی و تسهیلات لازم را به پولیس و نیرو های امنیتی غور وعده سپرد . روز شنبه مورخ 1390/4/4 قوماندان قول اردوی هرات همراهی قوماندان آیسف زون غرب در مقام ولایت غور ، به حضور شورای ولایتی ، شورای شهر و نهاد های مدنی از اکمالات و تجهیزات پولیس و استقرار اردوی ملی خبر دادند . ریس شورای ولایتی غور اوضاع امنیتی حاکم در جغرافیای غور را شرم آور خواند ، اما قوماندان قول اردوی هرات و قوماندان آیسف در زون ، به پاسخ ریس شورای ولایتی غور گفتند : « آنچه را وزیر امور داخله جمهوری اسلامی افغانستان وعده سپرده بود و وظیفه ما بود ؛ جامعه عملی پوشید ، امکانات و تجهیزات لازم و کافی برای نیرو های امنیتی غور آورده شده است اما تأمین امنیت متعلق به احساس مسؤلیت اداره محلی غور است ، اداره محلی غور تمام خون ریزی ها و جنگجالی های حاکم که توسط شورای ولایتی غور «شرم آور» خوانده می شود ؛ « منازعات قومی» تعریف می نمایند و مانع عملیات نظامی می شوند ، اگر طالب یا تروریسم در جغرافیای غور نفوذ پیدا نموده باشد ، بما اطلاع داده شو در مقابل شان عملیات می کنیم و آنها را نابود می کنیم . اما متأسفانه که اداره محلی شما نه از صلاحیت و امکانات دست داشته خود استفاده می کند و نه اجازه عملیات را بما می دهد» . گفتنی است اختلافات میان مقام ولایت و ارگان های امنیتی غور باعث نگرانی شدید مردم غور شده است .

نماز جنازه معارف و امنیت به امامت نفر شماره (1)

ابومسلم عبدالغنی جامع

امنیت و آرامش بزرگ ترین و مهم ترین آرزوی بشر است . همه جهانیان امید دارند که در فضای صلح و آرامش و امنیت کامل زندگی کنند و شخصیت و حیثیت هیچ فرد جامعه به معرض خطر واقع نشود . این آرمان و آرزو در حالیست که دین مقدس اسلام و قانون اساسی افغانستان به صراحت بیان گر و حامی چنین حقوق برای انسان می باشد . اسلام بخاطر حفظ جان ، مال و ناموس انسان ها مقررات و مجازات سنگین وضع نموده است حتی کشتن یک نفس را بدون گناه ، به منزله کشتن تمام انسان ها دانسته است و شخص قاتل به طور همیشه در جهنم می ماند و در قانون اساسی افغانستان هم ذکر شده که زندگی موهبت الهی و حق طبعی انسان است ، هیچ شخصی بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد ، آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است و دولت با احترام و حمایت از حقوق و آبروی تمام اتباع کشور مکلف است . بنابراین مردم مسلمان مرز و بوم غور آروز دارند تا جان و مال شان در امان باشد و امنیت سراسری در این جغرافیا حاکم باشد. ادامه صفحه 4

منار جام/سالنگ دوم!

زمان الدین «فرزانفر»

بار دیگر با وقوع حوادث ناگوار و تکانه‌دهنده که سرزمین غور را متزلزل ساخته و غور به چشم فراموشی سپرده شد ما را متوجه می‌سازد که نظری اندازیم به تاریخ غور و جهان‌گشایان غوری که چرا امروز سرنوشت غور چنین رقم زده شده و می‌شود!

مردم غور از قدیم‌ترین ایام به حراست و آزادی خود معروف بوده و همیشه در مقابل فاتحین دلیرانه مقاومت کرده اند، تا جاییکه تاریخ گواه آنست هیچ فرمان‌روایی نتوانست بر این دیار تسلط کامل برقرار نماید.

با کمال تاسف باید علاوه کرد که حملات ویران‌گر چنگیز در اوایل قرن سیزدهم موجب خسارات سنگین در کشور ما شد و اکثریت شهرها تخریب و ب خاک یکسان شد و آثار گرانبهائی هنری و ادبی به فنا شد، سرزمین تاریخی غور نیز از این حوادث متضرر شد. راد مردان غوری که امروز بقایای شان را می‌شناسیم شاه‌کارهای بزرگی را از خود بجا گذاشته اند که نمونه آن منار جام مهم‌ترین بنای تاریخی در جهان است، این منار در میان سلسله کوه‌های بلند درکنار دریای هریرو قرار دارد، که مناطق نزدیک آن نیز دارای خزاین پوشیده و آبدات تاریخی عجیبی می‌باشد. لازم به یاد آوری است، سرک که فیروزکوه را از مسیر میدان بره خانه الله یار، بیدان و کمینج به هرات وصل می‌سازد، یک راه با امنیت، زیبا و کوه تاه بوده و راه را به هرات نزدیکتر می‌سازد که باعث کاهش کرایه مسافری و قیمت‌ها و باعث می‌شود اموال تاجران با امنیت بهتر به سرمنزل برسد طرح این سرک و هزینه‌ای کار آن اولین بار توسط موسسه افغان اید در سال 1377 - 1378 بر آورد شد که در حدود بیش از 30 میلیون دالر آمریکایی تخمین گردیده، باتاسف مورد توجه دولت مردان قرار نگرفت، و خوشبختانه کار این سرک توسط مردم و اقوام مختلف ساحه منارجام، از جمله اقوام شریجه، سری لاک (قوم غلامک) جلگه مزار، کمینج، غار الله یار و سایر اقوام آن دیار و زهی رضا به همکاری مالی یک تعداد از دکانداران و موثر داران شریف شهر چغچران در سال 1387 خورشیدی به اثر تلاش، ابتکار و زحمات خستگی‌نا پذیر الحاج شهید عبدالسلام خان و تعداد شخصیت‌ها و منتقدین قوم آغاز و تا سال 1389 با زور بازو آبله‌ای دست مردم وطن دوست تکمیل گردید و بقول بزرگان سالنگ دوم کارش ختم شد، واقعا جای تعجب است سرکی که هزینه‌ای آن 30 میلیون دالر بود توسط بیل و کلنگ کوه‌ها و دره‌های آن هموار گردید و مسافری از راه‌های پر خوف و خطر به راه امن و شاداب که بنام «گل دره» مسمی شد، سفر می‌کنند ولی باز هم تا کنون از ابتکارات مردم تقدیر نشده و اینک قضاوت از شماست.

شورای صلح در ...

اکثر کسانی که در شورای صلح عضویت دارند از آدرس مشخصی و گروه مشخصی اند و گاهی هم در یک ترکیب نامتجانس از یک گروه به علت‌های نامعلوم یک‌الا چند نفر عضویت می‌رانند، نمیدانم انتخاب چگونه بوده آیا معیاری هم در نظر بوده و یا هم به علت‌ها و سلیقه‌های شخصی مانند بسیاری مسایل دیگر (آلو از آلو رنگ گرفته و همسایه از همسایه‌ای دیگر!) گذشته از مورد بالا، عده محدودی در این شورا حضور دارند که شاید در حل قضایا (تاهنوز قضیه‌ای هم حل نشده) بیطرفانه عمل نمایند، ولی کثیر از افراد که آنجا حضور دارند یا خودشان در بوجود آوردن قضایا دست داشتن و یا هم به نحوی از انحا دخیل در بدبختی‌های گذشته بودند.

همه می‌دانند که شورای صلح بامقدار پول هنگفت ایجاد شده و همین‌طور در قبال همه‌ای این مصارف بیشتر از همه مسولیت هم دارند تا باشد بهتر از سایرین در راستای حل مشکلات و معضلات که هر روز دامنگیر مردم می‌باشد کار و تلاش شبانه‌روزی نماید در حالیکه ما شاهد خواب‌های عمیق و افریقایی این شورا و افراد آن هستیم و از سوی دیگر چنانچه در سطور بالا ذکر کردیم از آنها مردم حضور همچو افراد و با تعلقاتی که از گذشته‌ها با این گونه موارد دارند نمی‌گذارد تا در حل مشکلات بوجود آمده اقدام نمایند در غیر اینصورت در شرایط که حالا اجتماع مان به آن دست و گریبان است، آیا بیکاری شورای صلح را زبینه می‌نماید؟ به هیچ‌عنوان برای شهروندان و مردم قابل پذیرش نخواهد بود، واقعا اگر نگاهی به این شورا داشته باشیم به صورت واضح ناکارایی این شورا برای ما آفتابی می‌شود، این نهاد گاهی از دست آوردها سخن می‌زند، کدام دست آورد؟ آیا، نشست دو قوم پهلوان و بیایان؟ چهل نفر طالب در پسابند؟ و یا هم حل و توزیع زمین مردم کندیوال؟

اگر شورای صلح این موارد را دست آورد بنامد، برای همگان هویدا است که این شورا چگونه به حل قضایا می‌پردازد، نشست دو قوم بزرگ پهلوان و بیایان، که شاید شورا آن را یکی از دست‌آوردهای خود بپندارد، حالا بعد از پدر میانی شورای صلح، آیا مشکلی وجود ندارد؟ موضوع چهل نفر طالب در ولسوالی پسابند، کدام طالب؟ طالبی که امروز دو برابر شده؟ و آیا بی‌امنی که امروزه به دروازه‌های شهر چغچران می‌خکوب شده؟ حل منازعه‌ای زمین، آیا اینجا اداره بنام شهر داری وجود دارد؟ آیا کسی به نام شهر دار است؟ و یا این که به قول معروف شورای صلح یعنی هر کاره!! در حالیکه قضایای خیلی بزرگتر و حادثه وجود دارد که باید به راه حل‌سازی آنها پرداخت که اساس نامه شورای صلح ایجاب می‌نماید تا در آن موارد اقدام جدی نماید.

راه حل‌ها:

1- انگیزه ایجاد شورا، آوردن صلح، امنیت و حل قضایا بگونه صلح‌آمیز است که هیچ‌گاهی با تشکیل و ترکیبی که حالا شورای صلح در غور دارد بنابر دلایل که در بالا به آن اشاره شد، نمی‌تواند به آن موفق شود، که باید در تشکیل این شورا تجدید نظر صورت گیرد در غیر اینصورت راه به ترکستان خواهیم برد.

2- حل قضایای غور با ترکیب و بافت‌های قومی که در متن زنده‌گی مردم نهفته و جا افتاده است، زمانگیر بوده، دیدی ژرف و همه‌جانبه را می‌طلبد و با استناد به خواب و خیال نمی‌شود به حل آنها پرداخت بلکه افراد آگاه، رسالت مند و بیطرف در این راه؛ راست خواهند رفت.

3- حضور شورای صلح آن طوری که ایجاب می‌نماید که بین مردم حضور پیداکنند محسوس نیست و بیشتر اوقات شان را به جلسات رسمی حکومتی و تشریفات بسر می‌برند و بگمان اغلب آنطوری که دیده می‌شود حضور شورای صلح چغچران نسبت به شورای صلح در بین مردم و اهالی محسوس تر بوده که کارهای هم تاهنوز صورت گرفته و بهتر آنست که شورای صلح از تشریفات که دارند و می‌خواهند خود‌ها را از چشم کمره تلویزیون غور به همشهریان نمایش دهند، بهتر آنست که حضور فزینی در بین اهالی پیداکنند.

4- هرچند شورای صلح از سوی دولت و حکومت افغانستان ایجاد شده اما این شورا به عنوان یک نهاد مردمی کار کرد‌ها و حرکات مستقل تری داشته باشد، نه آنچه را که برنامه‌های حکومتی خوانده می‌شود در پیش گیرد، بل شورای صلح با برنامه‌های جداگانه، مستقل و بدون هرگونه تبعیض و انحصار گرایي آنچه را که به خیر و صلاح مردم و سرزمین غور باشد انجام دهد.

5- قضایای که بین اقوام مختلف ساکن غور از گذشته‌ها به میان آمده و تا حال ریشه و برگ گرفته و هر روز دامنه آن گسترش می‌یابد، از مسایل اند که باید اولتر از همه روی حل آنها توجه جدی صورت گیرد ولی نباید فراموش کرد که حل اینگونه قضایا باید دوامدار، ریشه‌یی و با ثبات صورت گیرد در غیر اینصورت باری دیگر بیگمان به سوی یک معضل بزرگ اجتماعی خواهیم حرکت نمود.

مامکاتب چقدر بیچاره...

وقتی که منظوری متوسطه بودن آمد و من از شش صنفی به نه صنفی ارتقاء یافتم، با تاسف وزارت محترم معارف و ریاست دلسوز معارف ولایت غور، کدام توجه‌ی در رابطه به ازدیاد تشکیل تدریسی و اداری ام نکردند و همان پنج معلم و یک نفر سر معلم در یک مقطع زمان، نه صنف را اداره و تدریس می‌کنند. سوال اینجاست که وزارت محترم معارف و ریاست با ابتکار معارف غور این میتود جدید تدریس را از کدام کشور پیشرفته آورده اند که در یک وقت، پنج معلم نه صنف را اداره و تدریس نمایند؟! از جانب دیگر معلمینی که مشغول تدریس اطفال من می‌باشند غیر رسمی، قراردادی هستند و سواد ضعیفی دارند. من به همکاری مردم قریه، زیاد کوشش کردم تا معلم رسمی و باسواد پیدا نمایم. مردم حاضر شدند تا معاش تشویقی برای معلمین رسمی نیز تهیه نمایند. بالاخره معلمین رسمی و باسواد حاضر شدند با شرایط امتیاز معاش مردمی به اطفال محروم از سواد من تدریس نمایند و از نعمت سواد بهر مند شان سازند. اما نمی‌دانم به چه علت ریاست محترم معارف و بعضی از بزرگان ضد تعلیم و تربیه، مانع آمدن معلمین رسمی و باسواد در تدریس اطفال محروم من شدند؟! ابتکار دیگری که معارف غور به خاطر من راه اندازی کرده این است که در یک بست معلمی، دو نفر را مکتوب منظوری داده است. شاید قانون جدید معارف باشد که در یک بست دونفر کار نماید؟! دوستان معارف، برای من مهربانی کردند و گفتند، خیرست اگر معلم کم دارید برای تان معلم حق الزحمه می‌دهیم. به این خیال خام مدت دوماه منتظر حق الزحمه نشستم. بالاخره تقسیمات حق الزحمه‌ها شروع شد. مراجعه کردم دیدم که وقت حق من نوش جان کدام زورمند و یا خود معارف پروران عزیز شده است. شاید به فکر منسوبین محترم معارف، شیوه معارف پروری همین باشد!! از همه جالب تر این است که اقوام و محاسین سفیدان قریه‌های اطراف من که به قریه‌های خود خلوک نمی‌توانند به اطراف جناب رییس معارف جمع شده، در رابطه به سرنوشت معلمین من آش می‌پزند. واقعا برای من خجالت آوراست!! جای تاسف است، من بسیار رنج می‌برم... شب و روز به فکر این هستم که آخر سرنوشت ما مکتاب بیچاره غور از دست این ریاست موفق (معارف) و بزرگان ضد تعلیم و تربیه به کجا خواهد رسید؟ حالا من که از مربوطات مرکز هستم به این سرنوشت جالب گرفتار شده‌ام، وای به حال مکتاب دور افتاده و ولسوالی‌های غور!!

در آخر پیام من به مسولین معارف غور و بزرگان عزیز که ما را به این سرنوشت دچار می‌سازند این است که به مظلومیت ما مکتاب بیچاره رحم کنند و ازین بیشتر ریشه‌های علم و معرفت ما را خشک نسازند.

صاف و پوست کنده

- 24 مدرک و دلیل ثابت نشان می‌دهد که مدیر مسؤل ماهنامه فیروز کوه، سازماندهی شده‌ است و کوب شده است.
- فیروز کوه عامل هر نوع حمله و فشار بالای دست اندرکارانش را، پلان‌های طرح ریزی شده مسولین می‌داند.
- ولسوال تیوره توسط کارمند امور ولسوالی‌های مقام ولایت غور که معاش خود را از UNDP می‌گیرد، به پُستش معرفی شد، گفتنی است که اداره محلی غور در این راستا اعلان بی طرفی نموده است.
- در بعضی اطاق‌های بعضی لیلیه‌ها به جای درس، رقص تمرین می‌شود و مقامات...
- نمره‌های پلان پنجم شاروالی به رؤیت تذکره هوبت و خلص سوانح و تحلیقات قومی و اجتماعی توزیع می‌شود.
- نفر شماره (1) گفت: «اگه ای کاره نکم ریش مره همراهی... تان بتراشین».
- اداره محلی غور برای کوچی‌های پولدار تذکره توزیع می‌کند؛ این عمل اداره محلی در جلسه‌ای روی در روی مقامات ارشد اداره محلی غور توسط نماینده علمای غور، فاجعه عنوان شد. اما اداره محلی همچنان سکوت ماند.
- آتش‌گیر به دست نفر شماره (1) است. اگر دستش برسد، زبان را آتش گفته می‌گیرد.
- خواننده‌های فیروز کوه از مسولین رسانه‌های دیگر می‌پرسند: «ماهانمه فیروز کوه چی وقت چاپ می‌شود؟؟؟».
- فشارهای حکومت محلی بالای تشکیل ماهنامه فیروز کوه تأثیر کرد.
- کمیسیون تقسیم زمین دولت و مالکان اصلی زمین استعفا داد، علت این استعفا تا حال معلوم نیست، هیچ یکی اعضای این کمیسیون حاضر به مصاحبه نشدند.
- مدیر مبارزه با مواد مخدر قوماندانی امنیه غور گفت: «در قاچاق مواد مایع و مادی «نشه‌آور» اعضای بلند پایه اداره حکومت محلی دست دارند، هرگاه متخطبی دستگیر شود، از وزارت خانه‌ها و مقامات بلند پایه دولت؛ وساطت می‌کنند تا رها شود».

تیم بازسازی ولایتی تحت رهبری جمهوری لیتوانیا یک دختر سه ساله را که از ولسوالی لعل و سر جنگل بود عملیات نمودند!

رسانه های تیم پی آر تی



داکتران لیتوانیایی به صحت مردم غو کمک می کنند، آنها شفا خانه ولایتی چغچران را از طریق راهنمایی های آموزشی (ترنینگ) ، دوا و مشوره دهی حمایت می کنند . داکتران تیم پی آر تی می کوشند از مریضان شفاخانه ولایتی به حد توان شان دیدن نمایند . در جریان ماه می سال 2011 داکتران تیم پی آر تی 13 عمل جراحی را در شفاخانه پی آر تی اجرا کردند که سه تن آنها از طبقه انث وده تن آنها ذکور بودند که مجموعاً 307 تن که از بیماری های گوناگون رنج می بردند ، تداوی گردیدند . در 11 ماه جون یک دختر سه ساله از ولسوالی لعل و سر جنگل در بخش صحنی تیم پی آر تی عملیات گردید . والدین او ، وی را به خاطر کمک به تیم صحنی پی آر تی آوردند . یک سال پیش یک دختر که پا هایش سوخته بود و نمی توانست قدم بزند ، داکتران پی آر تی او را معاینه کردند و تصمیم گرفتند که وی را عملیات نمایند ، عملیات مذکور دو ساعت طول کشید ، بعد از یک عملیات موفقاته آنرا جهت تداوی بعدی به شفاخانه ولایتی انتقال دادند . بعد از عملیات پایش خوب شد و می توانست دوباره قدم بزند . بعد از عملیات موفقاته والدین و فامیلش خیلی سپاسگزاری نموده و خوشحال بودند تیم صحنی پی آر تی یک شفاخانه ای نظامی بوده و وظایفش این است که عساکر و نظامیان زخمی و مریض را تداوی نمایند . به هر صورت تیم صحنی پی آر تی کوشش می کند که مردم محل را به حد توان شان یاری رسانند . تمرکز اصلی داکتران پی آر تی بالای شفاخانه ولایتی است تا اینکه شفاخانه مذکور توانا ، مدرن و مسلکی گردد .

محل افتتاحیه سیستم آبیاری!

در پنجم ماه جون در دو پارک شهر چغچران محل افتتاحیه سیستم آبیاری برگزار گردید . در مراسم مزکور شاروال شهر چغچران محمد عثمان "عصمت" ، محمد قاسم "اعلم" رئیس حفاظت و محیط زیست ، قوماندان تیم پی آر تی ، نماینده خاص ماموریت لیتوانیا و عساکر تیم بازسازی ولایتی اشتراک ورزیدند . پارک های شهر چغچران با استفاده از فنند تخصیص داده شده در تطبیق پروژه های زیبا سازی چغچران ولایت غور ، نهال شانی گردید . در پارک های مذکور واتریمپ همراه با بطری های سولری ، چاه ها خاص و کاتینر های آب جابجا گردید و همچنان جهت آسایش شهروندان این پارک ها با درازچوکی مجهز گردیده . در پارک های فوق الذکر بیشتر از 2000 نهال غرس گردیده که عبارت است از: نهال های مثمر ، بوته های گل وچمن و توسط ریاست شار والی چغچران نظارت می گردد . در جریان سال 2010 کشور لیتوانیا در حدود 85 پروژه های مهم و مختلف النوع را در عرصه های ذیل به بهره برداری و پایه اکمال رسانیده:

- مصونیت اجتماعی
- تعلیم و تربیه
- صحت و غذا
- زراعت و انکشاف دهات

چنین پروژه که در ولایت غور از طریق تیم پی آر تی حمایت می گردد که بستگی به توانایی ها دارد .

تیم پی آر تی آن پروژه ای را حمایت می کند که عام المنفعه باشد تا اینکه وضعیتی خوب را در شرایط زندگی ایجاد نماید .

خدمات طبی پی آر تی در افغانستان!

پی آر تی 13 فعالیت هایش را یکجا با تیم داکتران لیتوانیایی در ماه جون آغاز 2011 نمود . به اکثر اعضای طبی پی آر تی این اولین ماموریت نیست بلکه تمام این اعضا در ماموریت های بین المللی تجربه دارند . داکتر که مسئولیت رهبری داکتران پی آر تی را به عهده دارد ، سومین ماموریتش در چغچران می باشد . این داکتر همیشه در باره صحت مردم محل توجه داشته و مشوره های طبی را برای شفاخانه ولایتی فراهم می کند . داکتران پی آر تی همراهی داکتران شفاخانه ولایتی همکاری نزدیک دارند که می توان از همکاری های چون: مشوره دهی درباره یک مریض ، تطبیق تداوی ، اجرا طرز العمل تشخیصی و همکاری هنگام عملیات را نام برد . فقط در ماه می داکتران تیم پی آر تی بیشتر از 300 نفر از افراد محلی را تداوی نمودند . اکثریت شهروندان شهر چغچران جهت تداوی در تیم صحنی پی آر تی از شفاخانه ای ولایتی استعلام اخذ می نمایند . آرزو و کمک کردن به مردم ، داکتران پی آر تی را انگیزه می دهد که کارهای بیشتر را برای مردم انجام دهند . پی آر تی یکجا با شفاخانه ای ولایتی همکاری های خود را در راستای کمک طبی ادامه خواهد داد . تمام پرسونل پی آر تی صحت خوب و زندگی بهتر را برای شهروندان شهر چغچران آرزو دارند

PRT نمی خواهد که اطفال غور آسیب ببینند!

مردم محترم و اطفال عزیز شهر چغچران از شما خواهشمندیم زمانیکه تیم پی آر تی غرض تمرینات نظامی به کوه های شمال شرق میدان هوایی و یا اجرای عملیات و وظایف نظامی به قریه ها می روند ، با کاروان و موتر های آنها یکجا نشوید زیرا اوضاع امنیتی مطلوب نیست و تیم پی آر تی به مردم غور احترام دارد و نمی خواهد که اطفال آسیب ببینند و یا کدام حادثه دلخراش بوقوع بپیوندد که جبران ناپذیر باشد .

پرسش ها و پاسخ ها

نور الله نوری

پرسش : هدف دین اسلام چیست؟ پاسخ: اسلام از سلام گرفته شده و

پیروان خود را درس صلح و امن می دهد، هدف اسلام سلامتی و امنیت است و همچنان تأکید می کند که مسلمانان محافظ ارزش های اخلاقی

باشند. پرسش: پس چرا مسمان ها دهشتگر پنداشته می شوند؟ پاسخ:

این یک حقیقت تلخ است در هر جای دنیا در مورد سیاست جهانی به مسلمانان کلمه دهشت افکن اطلاق می شود دهشت گر به کسی گفته می

شود که مسبب خوف و رعب و وحشت گردد ، بعض اوقات برای بوجود آوردن امنیت هم به انداختن رعب و خوف ضرورت می گردد

وقتی یک دزد یا ، یاغی پولیس را می بیند ترس در وجودش می آید لهذا برای دزد ، پولیس دهشتگر است . اما پیامبر بزرگ اسلام را

خداوند پیامبر رحمت عنوان نموده و نحوه دعوت به دین مقدس به (حکمت و موعظه حسنه) است بناءً اسلام دین دهشت نیست بلکه دین

رحمت است . اما احکام دین مقدس اسلام برای مسلمانان خاصیت پولیس مخفی را دارد هر مسلمان که به احکام دین مقدس اسلام علم

داشته باشد هم زمان با اینکه بخواهد جرم را مرتکب شود ، احکام دین مقدس اسلام روح و روان او را احاطه می کند و شخص را از ارتکاب

جرم مانع می شود . با تأسف تعداد افراد تربیه شده دست دشمنان دین مقدس اسلام زیر جامه اسلام بصورت سازماندهی شده اعمال را انجام

می دهند که از دید گاه دین مقدس اسلام حرام است . پرس : چرا مسلمانان بنیادگرا خطاب می شوند: پاسخ: بنیادگرا کسی را می توانیم

بگویم که به اصول دین مقدس اسلام پوره عمل کند ، برای مثال به یک ریاضی دان خوب ضرورت است که ابتدا به اصول ریاضی را

بیاموزد و آن را خوب مشق و تمرین کند و همچنین در میدان طبابت داکتر خوب کسی است که به اصول علوم طبی (میدیکل ساینس)

مهارت داشته باشد و اینها را بنیادگرا گویند . پرسش: چطور می توانیم اسلام را دین امن بگویم ؟ در حالیکه می گویند اسلام به زور شمشیر

انشار یافته است ! پاسخ: این تصور غلط در ذهن حلقات غیر مسلمان بصورت پخته جا گرفته که اگر مسلمانان از قوه و طاقت نیزه و شمشیر

کار نمی گرفتند ؛ اسلام به این وسعت در دنیا نشر نمی شد و نه به این حد پیرو می داشت مگر حقیقت خلاف آن است با دلایل کامل این

حقیقت را ثابت ساخته می توانیم که اسلام نه از راه زور بلکه به برکت اخلاق پیامبر (ص) ، صداقت عمل پیروانش روزانه صدها نفر دین اسلام

را می پذیرفت . از طرفی هم ادیان غیر مادی اند و باید روح و روان انسان را تسخیر کند ، هر چه به زور بالای روان انسان تحمیل شود

همزمان با اینکه انسان از آکراه نجات یابد دیگر فرصت برای باور های تحمیل شده باقی نمی ماند ، یک میلیارد و اضافه تر از ششصد میلیون

مسلمان دلیل بر این است که دین اسلام دین تحمیل شده نیست بلکه انسان ها به صداقت و حقیقت و راستی و امانت داری و اخلاق دین

مقدس اسلام عاشقانه ایمان آورده اند . یک مورخ غیر مسلمان به نام (دی لیبی اولیری) را نیز نقل کنیم : « این سخن را که اسلام به زور

شمشیر پیاده شده جواب سوال را شخص مذکور چنین می نویسد در کتاب خویش که بنام (Islam at the cross roads) است

تاریخ واضح می سازد که این در مورد مسلمانان راسخ العقیده بی بنیاد است که آنها گویا اسلام را بزور شمشیر و سر نیزه بالای اقوام مغلوبه در

ممالک مفتوحه قبولانده اند این یک سخن بی بنیاد و افسانه تاریخی است که تاریخ نویسان بشکل اسطوره شنیده اند و آنرا به قسم یک افسانه شیرین نشر کرده اند .

سکوت را مرگ ...

دقیق به یاد دارم روزی از روزها به دکانی نشسته بودیم ؛ مرد قدکوتاه و سیاه چهره با شور و شوق خاصی می گفت: والی صاحب دوماه قبل انتخاب شده بود، خودش وقت نیامد، آن هم برای اینکه با دست آوردی وارد شهر چغچران شود. مرد مذکور به رشته کلامش ادامه داده گفت : والی صاحب امر نه پایه آنتن تلفون، 100 متر سرک برای فیرریزی، 500 تن پولیس جهت تامین امنیت، بند برق آبی و چند تای دیگر که بخاطر ندارم گرفته ، که این جمله برایم بزرگ ترین مایه خوشی بود، که حتا خودم نیز این گپ را به چندین شخص دیگر گفتم ، واقعا در آن روزها چیزهایی می دیدی و می شنیدی که گویا غوریان به همان امپراطوری و تمدن بزرگ گذشته خود گام مانده اند، گاهی به یاد منار قطب دهلی می افتادیم، لحظه بی هم در مورد منارجام و مسجد جامع هرات سخن می رانیدیم و ازین قبیل صدها طرح ریزی ها و خیال پردازی های دیگر. اما بدبختانه درین اواخر غبار مایوسی و ناامیدی پیش چشم مردم را گرفت و آهسته آهسته شعاع اش به چغچران و همه ولسوالی های غور پهن شد، و همه امید و شادی های مردم رفته رفته به محور صفر تقرب کرد و بالاخره از صفر هم پایین تر رسید، تا آنجایی که بی نظمی ها و بی بند و باری ها به اوج کمال خود رسید که نتیجه اش را چند روز قبل دیدیم، کشته شدن داکتر غلام یحیی مدیر مبارزه با تروریسم قوماندانی امنیه غور و برادرش و زخمی شدن تعداد دیگر در مرکز غور نشان می دهد که مدیریت و اداره جناب به حدی ضعیف و نا کارآمد است که نمی دانیم به کدام معیار بسنجیم ، به نظر بنده فعلا هم سروقت است همیشه تا حد توان جلوگیری کرد، اگر به همین منوال ادامه پیدا کند وضعیت وخیم تر و وحشیانه تر خواهد شد میخوام صدام را از همین طریق که یگانه سلاح محصل است به گوش جناب برسانم که جناب! مردم به آن حد هم ساده نیستند که درباره خودت، تفکرت ، کارکرد هایت قضاوت نکنند و یا نتوانند، بدان آنچه شده و آنچه می شود و آنچه خواهد شد، تک تک افراد این مرزوبوم به گوشت و پیوست و خون رگ و استخوان خود احساس می کنند و می اندیشند و قضاوت خواهند کرد و بار دیگر تکرار می کنم که نه تنها غوری ها، بلکه همه مردم افغانستان و جهان قضاوت خواهند کرد، این پاشیده گی و بی بند و باری در اداره و مدیریت شما چیزی نیست که تاریخ گم کند، از انتظار آن پایه های آنتن، آن پولیس های توانا، آن بند برق آبی، آن جاده فیرریزی شده، آن تامین امنیت، آن وحدت ملی، آن وعده های خدمت بسی چشم ها را آب گرفته و بیسی دل ها را درد زیر عنوان سکوت را مرگ می شمارم، می خواهم واضح، صریح و مانند آفتاب روشن سخن برانم، نه پت و پنهان و نه هم مبهم و مجهول. من به عنوان یک محصل اصلا نمی دانم جهت حرکت اداره محلی کدام طرف است ، چه می کند؟ چگونه می اندیشد؟ هدفش چیست؟ درقبال مردم احساس مسوولیت می کند؟ نمی کند؟ می خواهم بدانم علم اش کجاست، عملش کجاست، مسیر عملش کجاست، جنب شریعتی می گوید « بزرگی و کوچکی عمل ارزش ندارد، جهت عمل است که است که ارزش دارد» بنده به نظام و سیستم اداری و صلاحیت اداره محلی نه جهت مشخص می بینم و نه کوچکی و بزرگی عمل . خواهش بنده از مردم غور این است که حداقل به جناب والی چیزی بگویند ، صدای خود را بلند کنند، برای خود و آینده های خود طرح ریزی کنند، نه آسمان به زمین می خورد و نه هم آفتاب از غرب طلوع می کند، این حق مسلم ماست و ما باید به آن برسیم همه می دانیم که حق داده نمی شود گرفته می شود، چانس طلایی دیگر این که همه چیز در اختیار ما هست ، تلفون داریم، تلویزیون داریم ، رادیو داریم، به روزنامه ها و ماهنامه ها دسترسی داریم و دیگر رسانه های دیگری که در خارج و داخل است ارتباط گرفته می توانیم، با موجودیت این همه « سکوت را مرگ می شمارم» و باید حرکت کنیم و بیسیج شویم بار دیگر از زبان شریعتی سخن می گویم که می گوید « اگر پیاده هم می شود سفر کن ، به ماتدن پوسیده می شوی» بناءً از برای ساختن یک غور آزاد و آباد اگر پیاده هم می شود حرکت کنیم در غیر آن پوسیده و گندیده خواهیم شد. تصور که بنده دارم این است که تعدادی کاملاً خود را قید می دانند ، تعدادی هم کم توجهی می کنند، آزاد زندگی نمی کنند، آزاد نمی اندیشند، آزاد سخن نمی رانند، و باید بدانیم که این راه حل نیست، این شیوه درد ما را دوا نمی کند، مسیر ما را طی نمی کند، این عمل خلاف نظریه همه دانشمندان بزرگ بوده و هست، گاندی می گوید « اگر نتوانیم آزاد زندگی کنیم، بهتر است مرگ را به آغوش باز استقبالی کنیم» و در نتیجه باید گفت بنده را عقیده بر آنست که علل بی بندوباری ، بی نظمی ، تشنج ، عدم بازسازی و همش و همش همین سکوت مردم است، اگر مردم بخواهند در برابر نظام پاشیده بایک عزم راسخ و استوار اقدام کنند آنچه بخواهند انجام می دهند، مادام ژوفین می گوید « تمام صدمات این جهان به استثناء مرگ ، ناشی از عدم ثبات و عزم راسخ است.»

قدرت فساد می آورد...

اداره حکومت محلی با تعداد قوماندان های مسلح غیر مسئول هم کاسه است و در مقابل بقیه افراد و نیرو های ناراضی از نظام قرار دارد ، فساد اداری گراف سعودی را می پیماید ، مبارزه با مواد مخدر آنطوریکه تبلیغ می شود و انتظار می رود صورت نمی گیرد ، وعده های که در باب باز سازی تبلیغ و شنیده شد جامه عمل نپوشید ، در مسایل اجتماعی به مرض ساری پیشینیان مبتلا شده است و در بحران به سر می برد ، در باب سرسبزی کار های مأمورین اسبق را بنام خود تبلیغ می کند و ... این ها همه دلایل است که اداره محلی غور، قیر خود را به دست خود می کند . بنابراین تمام سؤالات رسانه به آدرس حکومت وارد است تا متصدیان امور از خلا ها چشم پوشی و مسامحه نکنند و وجبیه خود را در برابر مردم ادا نمایند. اما اداره محلی به عوض که متوجه عیب های خود شود و رسالت و ثقافت خود را در برابر مردم مطالعه و درک کند، فیودالک های محلی و حامیان گروه های حادثه آفرین را از دور دسترخوان خود جمع کند و اگر گذشته ها را جبران نمی تواند ؛ لاقال به فکر آینده شود ؛ روز خود را در جنگ با رسانه ها شام می کند ، یخن رسانه ای را می گیرد ، تبلیغ می کند ، تحریک می کند ، مسایل تحلیقات جغرافیای را دامن می زند ، خود را پهلوان تر از رستم تعریف می کند...

هله و هله و هله به جای پلان پنج ساله ، برنامه تضعیف یک رسانه را از راه های ممکن طرح می کند حتی تیغ تیزش به فرق آبرو ها هم فرود آمد . چه فایده ؟ کاش تجربه زندگی جهان آزادی بیان و لقب سرباز دیموکراسی و ... را نمی داشت !!

باور داریم که قدرت فساد می آورد و قدرت مطلق فساد مطلق !! افراد نا باب و بی باور زمانیکه به حریم قدرت مطلق قرار گیرند ؛ فساد مطلق خلق می کنند تا در عرض ریختن خون و سوختن مسکن مردم ؛ زنده گی شخصی خود را سر و سامان دهند . این باور در مورد افراد خاص و ویژه نیست که مکتب نخوانده باشند ، زیرا قدرت و چوکی تعدادی انگشت شمار تحصیلکرده های جوان که از قدیم هم در هیچ جهتی تعهد و ثبات فکری نداشتند و بر مبنای خیالات واهی و پوچ امرار معاش کرده اند ؛ ویژه گی و خصوصیت «بادرنگ» داده است ، حالا هر کس آنها را بیشتر نمک بزند مزه دست همان را می گیرند «مثل قدیم» تعدادی هم به هدف کسب موقف سیاسی و منافع مادی از طریق رسانه ها گاهی به مرجعی حمله می کنند و عقب نشینی می کنند ، حمله می کنند و عقب نشینی می کنند ، از طرفی با تقلید از «القاعده» تلاش می کنند از طُرُق ممکن با وابسته گان مسئولین نظام، روابط نزدیک داشته باشند حتی حاضرند که تملق کنند و عذاب وجدان بکشند که به نحوی بالای نظام مؤثر واقع شوند تا متصدیان امور مجبور شوند و به خواست های آنها به هر قیمت که شده پاسخ مثبت بگویند . این مدعا به معنی بدبینی نیست بلکه واقعیت انکار ناپذیری است اگر حاضر نباشیم که چنین ادعای را بشنویم و بپذیریم ؛ باز هم به عنوان یک حقیقت زنده در متن جامعه جا افتاده . در کُل ؛ اگر اداره محلی غور نقطه آغاز ترسیم گراف فساد اداره افغانستان باشد ؛ باور دارم که مقام نخست را در تاریخ جهان از آن خود می کند!! زیرا ایمان ما به این امر استوار است که اداره محلی غور در خلق فساد در عرصه های مختلف فعالیت عمل می کند ، زیرا افراد خَس خور و بی باور فساد و تباهی را به نفع خود می دانند و تلاش می کنند تا عام مردم آسیب ببینند، بی جا و بی سرپناه شوند، خون شان به دامن نظام بریزد ، اطفال یتیم و زنان بیوه شوند ، و برای اینکه از انتقاد رسانه ها در امان بمانند «که تا حال نمانده اند» با افراد متملق و بی باور وارد معامله گردیده آبروی تعدادی را جرعه جرعه سر کشند که بقیه «رسانه ها و تحصیلکرده» دست به خود سانسوی بزنند... تا برای آنها منافع مادی و قدرت مطلق به بار آورد ، «که کرده اند» اما بی گناهی خود را همواره در لای لباس های شیک دولتی و برنامه ها و حرف های خشن پشت چوکی و گاهی زیر جامه محترم مردم متدین و خوش باور غور پنهان کنند .

به هر حال «فیروزکوه» مصمم است تا با اتکا به خداوند پاک مردم بی دفاع غور را از وضعیت حاکم نامطلوب در جریان قرار دهد تا تعهد این رسانه - بی مهر و بی اعتنایی اداره حکومت محلی در برابر مردم غور بویژه...های اخیر که درحق اصحاب «فیروزکوه» صورت گرفت حد اقل در تاریخ غور آرشیف شود . از باب دیگر هر چند قدرت و توان تغییر دانه های شطرنج و وضعیت نامطلوب حاکم را نداریم ؛ اما تعهد می کنیم که تاحیات باقی است با اتکا به خداوند پاک « فیروزکوه» را کمک کنیم تا رقبای سُود جُو و خَس خور « فیروزکوه» حق غریب ، مظلوم ، بیچاره و ... را با پینک باز خورده نتوانند . زیرا هر باری که به فیروزکوه حمله شود ؛ اصحاب فیروزکوه پخته تر و ساخته تر می شوند و با قامت راست تر از گذشته تازمانی به راه خود ادامه می دهیم که چلو صاف «کار» به دست اهلس سپرده شود و عدالت تأمین شود .

خیزش درد ها

مولوی محمد ابراهیم خلیل

چشمه خیزش شراب شدی
مرد بی مکتب و کتاب شدی
در ازل مست بود عنصر عشق
باز بی پرده و حجاب شدی
سوژه عشق بود سوزش دل
تو چرا بُهت و لا جواب شدی ؟
یا که تفسیر ها دگر گون شد
یا که نا بخردانه ناب شدی
همه وصف دگر پدید آمد
خنده کردی ؛ یکی گلاب شدی
راز ها سرنگون شدند اُسف!!
تو زمستی چرا خراب شدی؟؟

تفنگت را زمین بگذار

ارسالی : علاوالدین محمدی

تفنگت را زمین بگذار
که من بیزارم از دیدار این خونبار ناهنجار
تفنگ دست تو ، یعنی ، زبان آتش و آهن
من تو اما پیش این اهیرومنی ابزار بنیان کن
ندارم جز زبان دل ، دلی لبریز از مهر تو
تو ای بادوستی دشمن
زبان آتش و آهن
زبان قهر چنگیزی ستربان خشم و خونریزی ست
بیا، بنشین، بگو، بشنو سخن که شاید
فروغ آدمیت را در قلب تو بکشا ید
برادر گر که می خوانی مرا
بنشین برادر وار
تفنگت را زمین بگذار
تفنگت را زمین بگذار تا از جسم تو
این دیو انسان کش بیرون آید،
تو از آیین انسانی چی میدانی ؟
اگر جان را خدا داده ست
چرا باید تو بستانی ؟
چرا باید که با یک لحظه، غفلت
این برادر را
به خاک و خون بغلتانی ؟
گرفتم در همه ...
احوال حَقگوئی و حق جوئی
و حق با تو ست
ولی حق را - برادر جان -
به زور این زبان ناهم آتشبار
نباید جست ...
اگر این بار شد وجدان خواب آلوده ات بیدار
تفنگت را زمین بگذار
تفنگت را زمین بگذار

گرگ آشنا!!

غلام ربانی هدفمند

ساده بودم . ساده گشتم . ساده خواهم گشت یا!
آب اندر کوزه ای شیطان و مطلب آشنا!!
قصه کردم . چای خوردم . چای سبز هیلدار!!
خنده کردم . راز خواندم !! راز پنهان شما!!
ساده لوح خواندی مرا . از پشت خوب خنجر زدی!!
ساده گی از باورم بود . نه ز دارو و «دعا»!!
اجنبی و دشمن و درنده گشتی . ناگهان !!
آدمی گوید که این است خصلت گرگ آشنا!!!
پای در راه تملق و تعلق ماندی!!
تابلیسی کاسه هر خون و بادار و ... گدا؟!
کتک و تیغ و تبرهائیت به فرقم خوب خورد !!
تا شکستم . ساخته تر گشتم !! نه مقصودت!! چرا؟؟
حالیای هستم مسلح تر به ایمانم ز دی !!!
تا گذارم پا به حلقوم تو و هر بی خدا !!!

نماز جنازه امنیت و معارف به...

با آمدن والی از خود غوری ها و جابجا شدن کندن اردوی ملی و تبلیغات صلح و یاز سازی ، امنیت و عدالت از طرف مقامات دولت روزنه و دریچه امید مردم به آینده را بازتر نمود مردم غور خواب های شیرین امنیت و آرامی را دیده و با خود تعبیر حاکمیت قانون را نمودند. با تأسف تعبیر برعکس؛ وضعیت امنیتی را بدتر و وخیم تر از پیش به اثبات رساند که امروزه ما شاهد بدترین وضعیت امنیتی هستیم تاجای که هیچ کارمند دولت که در ده کیلومتری حکومت محلی سکونت دارند به خانه های خود رفته نمی توانند در اوقات رسمی کار در شعبات دولتی احساس امنیت نمی کنند و دولت را فلج و معیوب دانسته و دایره تسلط و حاکمیت حکومت را فقط و فقط در محدوده حصار های تنگ و تاریک که متصدیان درجه (1) حکومت معیشت دارند می دانند و بس . چون در نزدیک ترین حوزه پولیس موثر دولت توقف داده می شود یک نفر از مسئولین بلند پایه پولیس به قتل رسانیده می شود و ده ها حادثه و واقعه دردناک تر و رنج آور تر در گوشه و کنار شهر، رخ داده است که تا هنوز هیچ کدام مجرمین تحت پیگرد قانونی قرار نگرفته است لذا شهروندان چغچران از وضعیت امنیتی نهایت پریشان و نگران هستند همه باید بدانند که حکومت محلی غور چی می خواهد؟ آیا انتظار دارد که امنیت سراسری در ولایت غور حاکم خواهد شد؟ و تمام آرزو های دیرینه مردم که همه صلح و آرامش و حاکمیت قانون و رشد تعلیم و تربیه و بازسازی است تحقق خواهد یافت؟ این همه خواب است و خیال، محال است و جنون !! زیرا پای لنگ اداره محلی را همه دیده اند و ما هم از نحوه مدیریت حکومت محلی دست امید شسته ایم . لذا توجه جدی حکومت مرکزی را در راستای امنیت و بهبود معارف خواهانیم و الا به همین زودی نماز جنازه معارف و امنیت ولایت غور به امامت نفر شماره (1) خوانده خواهد شد . دست اندر کاران دولت مرکزی و همکاران بین المللی و ضو داشته مطلع بوده باشند .

صاحب امتیاز:

بنیاد جوانان و تحصیل کردگان غور

مدیر مسئول:

غلام ربانی هدفمند / تماس: 0797244300 hadafmand.25@gmail.com

معاون مدیرمسئول:

جمشید احمدی / 0798980330 jamshid1364@gmail.com

سر دبیر:

عبدالغنی جامع / تماس: 0799437614

معاون سردبیر:

محمد یاسر کمالی / 0797578007 vaseer.kamali@gmail.com

خبرنگاران:

قربان حکمت و علاوالدین محمدی / 0798262719 / 0754800101

طرح و دیزاین:

خان محمد سیلاب

آدرس الکترونیکی:

ferozkohm@yahoo.com

تحت نظر:

گروه نویسندگان .

محل چاپ:

چاپخانه / شمارگان: 1500

آدرس:

دفتر بنیاد جوانان و تحصیل کردگان غور ، رو بروی دارالمعلمین عالی غور

مسول توزیع

محمد آصف ، قربان حکمت و زمان الدین فروزانفر.